

مطالعات تاریخ فرهنگ؛ پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ
سال سوم، شماره‌ی یازدهم، بهار ۱۳۹۱، صص ۵۲-۳۳

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاہده ارزروم دوم و بازتاب آن در مناسبات ایران و عثمانی

داریوش رحمانیان^{*}، ثریا شهسواری^{**}

چکیده

مقاله حاضر تلاشی است برای نشان دادن مسائل اتباع ایران در عتبات عالیات و نگرش و راهکارهای دو دولت ایران و عثمانی برای حل مشکلات اتباع ایرانی. چنین به نظر می‌رسید بعد از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم (جمادی‌الثانی ۳۱/۱۲۶۶) مه ۱۸۴۷) اختلافات ایران و عثمانی از راه مسالمت‌آمیز حل خواهد شد، اما حضور گسترده اتباع ایرانی در عتبات عالیات و مشکلات ایجاد شده در ابعاد اجتماعی، حقوقی و مالی از سوی دولت عثمانی برای آنان، مناسبات ایران و عثمانی را سخت مترزل کرد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد تلاش‌های دو دولت در حل این بحران تا پایان دوره قاجاریه بی‌نتیجه ماند.

واژه‌های کلیدی: اتباع، ارزروم دوم، ایران، عتبات، عثمانی.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران. (rahmanian@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری دانشگاه پیام نور و عضو هیات علمی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور.
(sry_shahsavari@yahoo.com)
تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۲ – تاریخ تایید: ۹۱/۱۲/۲۳

مقدمه

اهمیت عتبات عالیات به عنوان مرکزیت مهم علمی و آموزشی جهان تشیع و قبله دوم شیعیان باعث گردیده است تا شیعیان جهان از جمله ایرانیان، از دیر باز توجه ویژه‌ای به شهرهای مقدس عراق داشته باشند. پس از سقوط دولت صفویه و انتقال مراکز علمی و فقهی شیعه از اصفهان به شهرهای نجف و کربلا، توجه ایرانیان به عتبات عالیات افزایش یافت. در دوره قاجاریه و بعد از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم به دلیل آرامش نسبی که در روابط ایران و عثمانی ایجاد شد، سیل رفت و آمد زائران ایرانی به عتبات رونق بیشتری گرفت. علاوه بر آن، به دلیل بحران‌های سخت سیاسی و اقتصادی در ایران بسیاری از ایرانیان به عتبات عالیات مهاجرت کردند و در آن نواحی اقامت گزیدند، لذا عتبات به مرکزی برای مهاجرنشین‌های ایرانی تبدیل شد.

اجرای قوانین اصلاحی، حقوقی و مدنی از سوی امپراتوری عثمانی در شهرهای مقدس عراق مشکلاتی را برای اتباع ایران در باب مسائل اجتماعی، مالیاتی و تملک ایجاد کرد، و دگرگونی عمیقی در ساختار اتباع ایرانی در عتبات عالیات پیش آورد. مخالفت اتباع ایرانی در پذیرش قوانین امر شده از سوی دولت عثمانی از یک سو و پافشاری ماموران عثمانی در اجرای این قوانین در شهرهای مقدس عراق شرایط سختی در باب روابط دیبلماتیک برای دو دولت ایران و عثمانی ایجاد کرد. در واقع، هدف اصلی دولت عثمانی در اجرای این قوانین، ایجاد محدودیت برای اتباع ایرانی ساکن در عتبات و جلوگیری از گسترش نفوذ آنان در شهرهای مقدس عراق بود. بدین منظور تلاش‌های زیادی صورت گرفت، لکن گستردگی نفوذ اتباع ایرانی در عتبات و ضعف کارکرد دولت عثمانی در امور عراق باعث شد که مشکلات اتباع ایرانی در عراق تا پایان دوره قاجاریه به صورت لاینحل باقی بماند و حتی پس از تشکیل کشور مستقل عراق این مشکلات تشدید شد.

در خصوص روابط ایران و عثمانی در دوره قاجاریه تحقیقات نسبتاً گسترده‌ای صورت گرفته، اما درباره مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات و تاثیر آن در مناسبات دو کشور پس از انعقاد عهدنامه دوم ارزروم هیچ‌گونه پژوهش مستقلی نگرفته است. لذا تحقیق در این موضوع ضروری به نظر می‌رسید. در این مقاله سعی شده با تکیه بر اسناد و منابع با رویکرد تحلیلی به این موضوع پرداخته شود.

اتباع ایرانی در عتبات عالیات

یکی از مسائل مهم در روابط ایران و عثمانی پس از انعقاد معاهده ارزروم دوم، مسئله اشار مختلف ایرانی در عتبات عالیات بود. اتباع ایران در عتبات عالیات که تخمین دقیقی از تعداد آنها در دست نیست، حدود ۱۵۰-۱۰۰ هزار نفر از جمعیت شهرهای مقدس عراق را تشکیل می‌دادند. در گزارش کنسول گری ایران در کربلا در سال ۱۳۳۱ ق/۱۹۱۳ م. در کربلا حدود چهل هزار نفر ایرانی اقامت داشتند.^۱ در اوایل قرن بیستم نیمی از جمعیت شهر نجف را ایرانیان تشکیل می‌دادند.^۲ در اواخر قرن نوزدهم، دو سوم جمعیت هفت یا هشت هزار نفری کاظمین ایرانی بودند.^۳ در میان شهرهای مقدس عراق، تعداد ایرانیان در سامراء اندک بود، اما پس از مهاجرت مجهد اعظم، میرزا شیرازی، به این شهر ۱۲۹۱(ق/۱۸۷۴) اقامت وی در آن ناحیه سنی نشین، به تدریج شاگردان و طلاب برای درک حضور درس او به سامراء رفتند و جمعیت ایرانیان سامراء و به تبع آن شیعیان این شهر افروزه شد.^۴

بهطور کلی سه قشر عمده از جامعه ایران در عتبات عالیات حضور مستمر یا موقتی داشتند. گروه اول زائرانی بودند که به قصد زیارت اماکن متبرکه به شهرهای مقدس عراق مسافرت می‌کردند، مدتی در عتبات می‌ماندند سپس به کشور خود مراجعت می‌کردند. این گروه که تعداد آنان متغیر بود، بر اساس حوادث و رخدادهای سیاسی که بین دو کشور ایران و عثمانی اتفاق می‌افتد تغییر می‌کرد. به عنوان نمونه پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم (۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م) و برقراری صلح و دوستی بین دو کشور ایران و عثمانی، سیل مسافرت کاروان‌های زیارتی ایران به عتبات چند برابر شد. به گونه‌ایی که بر اساس آمارهای موجود، سالانه صد هزار ایرانی به قصد زیارت وارد عراق می‌شدند، اما پس از اوج گیری اختلافات ایران و عثمانی بر سر تصرف قطور از سوی قوای عثمانی، دولت ایران

۱. مرکز استناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران، کارتن ش. ۲، پرونده ۲۰، سال ۱۳۳۱ هجری قمری.

۲. اوّن اوین، (۱۳۶۲)، ایران/امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ص. ۴۰۸.

۳. حاج میرزا حسین خان مهاجرانی همدانی، (۱۳۲۱)، سفرنامه، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و نسخ خطی دانشگاه تهران، نسخه خطی به شماره ۴۷۹۱، ص. ۱۵۶.

۴. علی الوردي، (۱۳۸۹)، تاریخ عراق، دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ معاصر عراق، ج. ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، صص ۴۴۵-۴۴۶.

۵. مرکز استناد تاریخی وزارت امور خارجه، کارتن ش. ۸، پرونده ۱۲۸۷، سال ۱۲۸۷ هجری قمری.

در اعتراض به این اقدام باب عالی، برای مدتی کوتاه، رفت و آمد زائران ایرانی به شهرهای مقدس عراق را ممنوع اعلام کرد.^۱ با این حال بر اساس آمارهای موجود در آرشیو استادی بایگانی نخست وزیری ترکیه، به طور متوسط از سال ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۹۸ م تا ۱۳۳۲ ق/ ۱۹۱۴ م، تعداد مسافران ایرانی زائر عتبات عالیات ۴۸۶۷۲ نفر بوده است.^۲

گروه دیگری از ایرانیان که اقامت نسبتاً طولانی در شهرهای مقدس عراق داشتند؛ علماء، طلاب و دانشجویان شیعه بودند که برای تکمیل تحصیلات فقهی شیعه به حوزه‌های علمیه نجف و کربلا رفته و مدتی در آن ناحیه اقامت می‌گزیدند. پس از آرامش نسبی که در روابط ایران و عثمانی با انعقاد عهدنامه ارزروم دوم ایجاد شد؛ ورود زائران و ارسال وجودهای دینی از ایران، هند^۳ و سایر مناطق به شهرهای مذهبی و مخصوصاً نجف را تسهیل نمود.^۴ همچنین تکمیل کانال هندیه در حدود سال ۱۲۱۸ ق/ ۱۸۰۳ م و تامین آب منظم نجف، این شهر را قادر ساخت تا فعالیت‌های آموزشی خود را توسعه دهد.^۵ با ساخت مدارس و کتابخانه‌های جدید و استقرار مراجع و مجتهدین شیعه در نجف به تدریج بر تعداد طلاب و علاقه‌مندان علوم دینی افروزه شد. حاجی پیرزاده نائینی که در سال

۱. محمد رضا نصیری، (۱۳۷۱)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*، قاجاریه، ج ۳، تهران: کيهان، صص هشت و نه.

۲. صبری آتش، (۲۰۱۰)، «عش کشی به عتبات: رقبابت ایران و عثمانی در عراق سده‌ی ۱۹ میلادی»، ترجمه نازلی کامواری، ایران نامه، س ۲۶، ش ۱-۲، ص ۸۳.

۳. مهمترین وجودهای ارسلانی از هند به عتبات «اوده» نام داشت، که موقوفات یکی از پادشاهان شیعه نشین ایالاتی در هند بود، و میزان آن برای علمای اماکن مقدس ۲۸۰۰ روپیه بود، ۱۲۰۰ روپیه برای هر کدام از شهرهای کربلا و نجف و ۴۰۰ روپیه برای کاظمین بود؛ (نک: - Meir litvak, (1999), *The finance of the ulama, communities of Najaf and Karbala: 1796-1904*, Koninklijke, Leiden: brill, NV.).

۴. میر لیتوک، (۱۳۸۴)، «بررسی جمعیت‌ستانختی علمای نجف و کربلا در خلال سال‌های ۱۳۲۲-۱۲۰۵»، ترجمه نصرالله صالحی، فصلنامه شیعه‌شناسی، س ۳، ش ۱۰، ص ۱۴۱.

۵. در اواخر دهه ۱۷۸۰ کار ساخت کانال هندیه که هزینه آن (حدود پانصد هزار روپیه) توسط حسن رضاخان، وزیر بادشاھی شیعه نشین «اوده» در هند تامین شده بود شروع شد. هدف ساخت این کانال تامین آب مورد نیاز نجف و حل مشکل آب آن بود. ساخت این کانال که در اواخر قرن هیجدهم آغاز گردید تا حدود سال ۱۸۰۳ ادامه داشت؛ (نک: جعفر الخلبی، (۱۹۸۷)، *موسوعه العتبات المقدسه*، ج ۷، قسم النجف، بیروت، موسسه الاعلامي للمطبوعات، صص ۲۸-۳۵).

6. Yitzhak Nakash, (2003), *shism of Iraq*, princeton: N. J, Princeton university, p.337

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۳۷

۱۳۰۵ هجری قمری از عتبات دیدار کرده است تعداد علمای ایرانی عتبات را در حدود ۸۰۰۰ نفر گزارش می‌دهد.^۱ اوین؛ سفیر فرانسه در ایران، که در اوایل قرن بیست به عتبات سافرت کرده تعداد طلایی که در نجف مشغول کسب علوم دینی بودند را ۵۰۰۰ نفر ذکر می‌کند،^۲ که اغلب آنان ایرانی بوده و بقیه از بین‌النهرین، قفقاز، هند و حتی مسقط آمده بودند. بخشی از علمای ایرانی که به عتبات رفته بودند در آنجا اقامت گردیده و در همانجا در گذشتند، اما اکثریت آنان پس از اتمام تحصیلات عالیه‌ی علوم دینی به کشورشان بازگشتند. در آماری که لیتواک از جمیعت‌شناختی علمای ایرانی در عتبات طی سال‌های ۹۲۲-۱۲۰۵ ق ارائه داده است از ۱۲۲۲ عالم ایرانی در نجف تنها ۲۹۳ نفر (قیب ۰/۳۱/۴) در عتبات اقامت گزیدند و همانجا در گذشتند.^۳

عتبات عالیات اگرچه شهرهای زیارتی محسوب می‌شدند، با این حال در سراسر قرن سیزدهم و چهاردهم هجری به عنوان مراکز تجاری، دارای رونق و شکوفایی بودند و بدون تردید قسمت عمده‌ای از جمیعت ایران در عتبات، مشغول اموری غیر از تحصیل بودند.

اهم تجار شهرهای مقدس عراق و بغداد کسانی بودند که به بانه زیارت، و در واقع به قصد تجارت به شهرهای مقدس عراق عزیمت می‌کردند. زوار ایرانی که همه ساله حداقلر دوبار به زیارت عتبات عالیات به عراق مسافرت می‌کردند، کالاهای فراوانی از ایران به این ناحیه می‌بردند.^۴ همزلی لانگریک در این‌باره می‌نویسد: «تجارت ترانزیتی عراق یک عامل مهم اقتصادی بود به این عامل اقتصادی باید به عنوان یک صادرات نامرئی، عایدات دیدار زائران شیعه از عتبات مقدس را افزود.»^۵ تامسون سفیر انگلستان در ایران، در گزارشی نگران آمیز از نفوذ تجار ایرانی در عراق در قرن نوزدهم، رونق و بویایی تجارت عثمانی و عراق عرب را وابسته به تجارت بین‌النهرین می‌داند که از طریق تجار ایرانی در شهرهای مقدس ایجاد می‌شود.^۶ او حضور تجار ایرانی در عراق را لطمه بزرگی به تجار انگلیسی

۱. محمدعلی پیرزاده نائینی، (۱۳۴۳)، سفرنامه، به کوشش حافظ فرمانفرما مایان، تهران: بی‌نا، ص ۳۲۲.

۲. ایران امروز (۱۹۰۷-۱۹۰۶)، ص ۴۰۹.

۳. بررسی جمیعت‌شناختی علمای نجف و کربلا...، ص ۱۵۶.

۴. مرکز اسناد و تاریخی وزارت امور خارجه ایران، کارتون ۱۲، پرونده ۱۸، سال ۱۳۱۶ هجری قمری.

۵. استیون همزلی لانگریگ، (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق (۱۹۰۰-۱۹۵۰)، ترجمه علی درویشی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ص ۶۷.

۶. چارلز عیسوی، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، صص ۱۹۸.

می‌داند.^۱ ترس انگلیسی‌ها از نفوذ ایرانیان در عراق به دلیل مخاطره اقتادن منافع بلند مدت آنان در دستیابی به منابع نفتی و غیره در عراق بود. جریانی که در جنگ جهانی اول با هدایت و رهبری علمای عتبات به وقوع پیوست. گرچه مانع از دستیابی انگلستان به مخازن نفتی عراق نشد ولی در استقلال کشور عراق از یوغ استعمار این کشور مؤثر واقع شد.

به غیر از گروهی اندک از صاحبان سرمایه، املاک و تجار و بازرگانان ایرانی ساکن عتبات، دیگر اتباع را مهاجرین فقیری تشکیل می‌دادند که در قالب زوار به عتبات رفته و در همانجا مانده و زندگی می‌کردند. به نوشته مامور انگلستان در بغداد: «ایرانیان در عتبات زیادند از مالک گرفته تا گدا، از مجتهد تا دوره‌گرد، منحصراً شهرنشین‌اند و اقلیت بیگانه‌ای را تشکیل می‌دادند که بیشتر از همه غیر قابل کنترل بودند. زیرا ایمان آنها به مذهب شیعه آنها را به عراق کشانده بود و از بزرگترین مشکلات در این امپراتوری سنی محسوب می‌شوند.»^۲ از نیمه دوم قرن نوزدهم، به دلیل بحران‌های شدید مالی در ایران و نامنی‌های اجتماعی ناشی از اعتراضات مردمی، بر تعداد مهاجرت ایرانیان به عتبات افزوده شد. در گزارش یکی از نمایندگان سیاسی ایران در عراق که در سال ۱۹۰۳/۱۳۲۱ م تنظیم شده، آمده است: «از دیر زمانی به این طرف عده کثیری از ایرانیان به عزم زیارت عتبات عالیات همه ساله به بین‌النهرین مسافت می‌نمایند. در این سال‌های اخیر، عده‌ی آنها هر سال به چهل الی پنجاه هزار نفر می‌رسد. زوار مذکور اغلب پس از ورود به بین‌النهرین یا به واسطه استیصال و پریشانی و قلت مخارج مسافت و یا به قصد مجاورت عتبات عالیات و یا بالاخص به واسطه این که در بین‌النهرین وسائل تجارت بیشتر و بهتر است، از مراجعت به ایران صرف‌نظر می‌کنند و شاید هر سال اقلایک عشر از ایرانیان مسافر در بین‌النهرین توقف نموده و از مراجعت به وطن خود دست می‌کشند. به همین جهت، اکنون در بین‌النهرین ایرانیان کلی بزرگی تشکیل داده و در کلیه شهرهای مقدسه و متبرکه اکثربت دارند.»^۳

تجمع اتباع ایرانی در قلمرو عثمانی و بی‌توجهی آنان به اصول و قوانین وضع شده از سوی دولت عثمانی از یک سو و فشارها و سختگیری‌های ماموران عثمانی در رفتار با

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۴.

۳. مرکز استناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران، کارتون ش ۱۷، پرونده ۲۷، سال ۱۳۲۱ هجری قمری.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۳۹

ایرانیان، مشکلات عدیدهای را در مناسبات ایران و عثمانی طی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ایجاد کرد. تداوم حضور ایرانیان در عتبات موجب گسترش روز افزون تشیع در عراق می‌شد. بخصوص آن‌که بسیاری از قبایل و عشایر عراق به راحتی تحت نفوذ علمای شیعه قرار گرفته بودند. در نتیجه‌ی این امر موجودیت دولت عثمانی در عراق به مخاطره می‌افتد. بدین منظور باب عالی در صدد اجرای اقدامات اصلاحی جهت تنظیم امور در ایالت بغداد برآمد.

تنظیم و اصلاح امور در ایالت بغداد و مواضع اتباع ایرانی

از زمان انعقاد عهدنامه زهاب (قصر شیرین) ۱۰۴۹ق/۱۶۳۹م^۱ و تصرف قطعی ایالت بغداد از سوی دولت عثمانی تا حدود سال ۱۲۴۷ق/۱۸۳۱م دولت عثمانی نظارت چندان دقیقی بر ایالت بغداد نداشت، بخصوص آن‌که در دوره حکومت ممالیک در بغداد که از ۱۱۶۴ق/۱۷۰۴م شروع و در سال ۱۲۴۷ق/۱۸۳۱م برکناری داود پاشای مملوک از ایالت بغداد و گماشتن علیرضا پاشا به جای ایشان خاتمه یافت^۲، ایالت بغداد شکل یک قلمرو مستقل را داشت. به علاوه ضعف امپراتوری عثمانی به دلیل آشوب‌های داخلی و گرفتاری‌های خارجی بر میزان استقلال پاشایان در بغداد و عدم وابستگی آنان به باب عالی کمک می‌کرد. چنانچه در دوره والی‌گری داود پاشای مملوک بر بغداد (۱۲۳۲-۱۲۴۷ق/۱۸۱۷-۱۸۳۱م) وی نه تنها از ارسال خراج و مالیات سالیانه به دربار عثمانی خودداری کرد، حتی از اعزام نیروی سپاهی و افسران نظامی به استانبول نیز خودداری کرد.^۳ با انجام اصلاحات در عثمانی که به تنظیمات معروف شد، اقداماتی نیز در

۱. عهدنامه زهاب یا قصر شیرین در دوره شاه صفی صفوی و سلطان مراد چهارم عثمانی به سال ۱۰۴۹ق/۱۶۳۹م. منعقد شد. اهمیت این عهدنامه در تاریخ ایران، این است که با انعقاد این معاهده کنترل سیاسی ایران بر بین‌النهرین و بغداد پایان یافت و تمام سرزمین‌هایی که کشور عراق امروزی را تشکیل می‌دهند به تصرف دولت عثمانی در آمد، و عهدنامه‌هایی که بعد از این تاریخ دولت عثمانی در مزهای شرقی، قلمرواش با دولت ایران منعقد کرد بر مبنای این معاهده صورت گرفت؛ منوچهر بارسادوست، (۱۳۷۰)، ریشه‌ی اختلافات ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار، صص ۴۸-۳۸.

۲. تاریخ عراق؛ دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ معاصر عراق، ج ۱، صص ۳۲۴-۳۲۲.
۳. عباس العزاوی، (۱۹۵۳)، تاریخ العراق بین الاحالین، ج ۶، بغداد: شرکت التجارة و الطياعه، صص ۶۶-۶۴.

اصلاح اداره امور ایالات و ولایات صورت گرفت. در این میان سیاست متمرکز ساختن امور در ایالت بغداد به اجرا گذاشته شد. بدین منظور مستقیماً والیانی از باب عالی به حکومت بغداد گماشته شدند و اداره امور بغداد به طور کامل زیر نظر باب عالی قرار گرفت.^۱ بر جسته ترین نماینده عثمانی که توانست سیاست‌های باب عالی را در بغداد پیاده کند، سیاست‌مدار معروف ترک مدحت پاشا بود.^۲ او اقداماتی را در راستای اصلاح حوزه‌های اداری و مالیاتی و نظامی قضایی در شهرهای ایالت بغداد آنجام داد. دادگاه‌های جدید، شورای شهرداری (بلدیه) و مدارس جدید تاسیس کرد، و نظام مالیات را در ایالت بغداد با نظام معمول در استانبول متحوالشکل کرد و بر پرداخت مالیات از تمام اصناف و طبقات پافشاری کرد.^۳ هنگامی که عشاير عرب علیه سیاست او شوریدند، مدحت پاشا با تمام خشونت قیام آنها را در هم کویید.^۴

اصلاحات مدحت پاشا، تسلط ترکان را بر ایالت بغداد تقویت کرد، متعاقب آن شرایط جدیدی برای اتباع ایرانی در آن ناحیه از بعد مسائل حقوقی، مالی، قضایی و اجتماعی پدید آمد. نخستین مسئله‌ای که اتباع ایرانی در عتبات عالیات با آن مواجه شدند، موضوع تابعیت آنان بود. چنانچه پیشتر ذکر شد تعداد زیادی از اتباع ایرانی به دلایلی در عتبات عالیات اقامت داشتند. در این زمان دولت عثمانی بر اساس قانون نامه تابعیت اعلام کرد هر

۱. ایالت بغداد بجز موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی، از لحاظ اقتصادی برای دولت عثمانی از اهمیت بالایی برخوردار بود. عایدات عثمانی از ایالت بغداد که عمدها حاصل رفت و آمد کاروان‌های زیارتی ایرانی و حمل جنائز ایرانیان جهت تدفین در عتبات و موقوفات و نذورات آنان به اعتبار مقدسه بود، به پای مالیات کل ایران در دوره قاجاریه می‌رسید. لذا دولت عثمانی نمی‌توانست از بغداد چشم‌پوشی کند؛ نک:

- Gohkan Catinsaya, (2006), *Ottoman administration of Iraq 1890-1908*, New York: Routledge.

۲. فب ماریه، (۱۳۸۰)، *تاریخ نوین عراق*، ترجمه محمد عباسپور، مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۵۰-۵۱.

۳. شهرهای مقدس کربلا، نجف، کاظمین و سامراء بخشی از ایالت بغداد بود و هر شخصی بر ایالت بغداد حکومت می‌کرد. شهرهای فوق نیز جزوی از قلمرو حکومتی وی محسوب می‌شد. لذا حاکمان ایران، بغداد را کلید دستیابی به عتبات عالیات می‌دانستند؛ (نک: محمدمأین ریاحی، (۱۳۶۸)، *سفر تامه‌های ایران*، تهران: توس).

۴. حسن حضرتی، (۱۳۸۹)، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، صص ۲۰۰-۲۰۳.

۵. سرآتور هارдинگ، (۱۳۷۰)، *خاطرات سیاسی سرآتور هارдинگ*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران: کیهان، ص ۲۵۵.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۴۱

کس احدي از والدینش تبعه عثمانی باشد، خود او تبعه عثمانی محسوب می‌شود، و هر کس پنج سال متصلاً در خاک عثمانی توقف نمود، حق مطالبه تبعیت عثمانی را دارد و به محض اظهار میل او به تبعیت عثمانی فوراً قبول خواهد شد.^۱ متعاقب این مسئله دولت عثمانی اعلام کرد عموم اولاد ایرانی که از زنان تبعه عثمانی متولد شده‌اند تبعه عثمانی به شمار می‌آیند. لذا فرزندان ذکور آنان باید پس از رسیدن به سن قانونی سربازی، وارد خدمت نظام سربازی شوند.^۲ علاوه بر آن، دولت عثمانی مقرر کرد ایرانیانی که از تبعه عثمانی زن می‌گیرند، اولاد آنان از املاک والد خودشان ارت نبرده و مالک نمی‌توانند شد.^۳ همچنین دستور داد درباره مادران صاحبان املاک تحقیق شود که تبعه عثمانی بوده‌اند یا تبعه ایران، اگر تبعه عثمانی بوده‌اند باید اولاد آنها را هم، تبعه عثمانی شمرد و این دقت و مراقبت در باره هر ایرانی لازم است.^۴

این قبیل اقدامات دولت عثمانی درخصوص اتباع ایرانی در عتبات عالیات با اعتراض شدید دولت ایران همراه بود. میرزا جعفرخان مشیرالدوله، سفیر ایران در استانبول در نامه‌ایی که به سال ۱۲۸۳ق/ ۱۸۶۶م به باب عالی نوشت از اجرای این قبیل اقدامات درباره اتباع ایرانی شکایت کرد و از حکومت عثمانی خواست «به ضایع و پایمال شدن حقوق مشروعه چندین ساله اتباع ایرانی در عراق رضا ندهد».^۵ این مسئله قریب به چندین سال مابین سفارت کبرای ایران در استانبول و باب عالی مطرح و مذاکره و مخابره شد، بیشترین اعتراض دولت ایران بر روی اشخاص ایرانی بود که تنها به قصد زیارت و تجارت به قلمرو عثمانی می‌رفتند و ضرورتی برای قبول تبعیت عثمانی نداشتند، اما ماموران عثمانی سعی داشتند از طریق اعمال زور و اجبار آنان را وادار به پذیرش تبعیت عثمانی نمایند. شدت عمل ماموران عثمانی در این راستا در شکوایه‌ای که جمعی از اتباع ایرانی مقیم عراق عرب به رئیس الوزراء اعلاء (السلطنه) نوشتند آشکار است: «در این ایام ماموران

۱. گزیده استناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجاریه، (۱۳۷۰)، ج. ۵، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: نشر وزارت امور خارجه، ص. ۲۴۶.

2. Cag Galip & Selcuk Ural (2010), *OsmNLi-Iran ilişkileri ve osmanlı modernleşme cabalrı baglamında osmanlı kadının Iranlılarla evlenme yasagi ve uygulamaları*, the journal of international social research, volume: 3, Issue:13, woman studies.

۳. گزیده استناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجاریه، ج. ۵، صص ۲۳۱-۲۳۲.

۴. همان.

۵. همان، صص ۲۲۶-۲۲۵

حکومت عثمانی دست تعددی و جبر را با همراهی و مساعدت صاحب مهربان ما مکرم‌السلطان کارپرداز دولت علیه ایران مقیم بغداد بر ما باز کرده و ما جماعت ایرانیان را به غیر قانون و قاعده جبرا و عنفا جلب به مجالس ودوایر حکومتی می‌نمایند و ما را در نفوس عثمانیه و رعیت بودن و محکومیت خود داخل می‌کنند و با کمال اهانت و رذالت از ذلت یهود و محسوب زیادتر اساس ما ایرانیان بیچاره را در دفاتر نفوس عثمانیه ثبت و ضبط نموده...»^۱

از دیدگاه دولت عثمانی ازدواج مردان ایرانی با زنان تبعه عثمانی و تملک آنان در عتبات عالیات بدون پذیرش تابعیت عثمانی موجب تقویت نفوذ ایرانیان شیعه در عراق می‌شد. این مسئله در مورد افرادی که به لحاظ مالکیت و دارایی و یا به جهات سیاسی دارای موقعیت برتری بودند بیشتر مورد حساسیت قرار می‌گرفت. به عنوان نمونه مجتهد اعظم، محمدحسن نجفی، از مادر خود – که عرب بود – تعدادی درخت خرما به ارت برده بود.^۲

سرانجام پس از دوازده سال مذاکره میان نماینده ایران در استانبول با باب عالی بخشی از مسئله اتباع ایرانی در عتبات حل شد. بر اساس قراردادی که به سال ۱۳۰۵ ق/ ۱۸۸۷ م میان دو دولت ایران و عثمانی در خصوص ازدواج زنان عثمانی با مردان ایرانی منعقد شد با پنج شرط این مسئله حل و قبول گردید: «ازدواج زنان عثمانی با مردان ایرانی ممنوع شد و اگر برخلاف قانون ممنوعیت ازدواجی صورت گیرد باید به ایران تبعید شوند، و اگر دوباره به قلمرو عثمانی برگردند وقتی فرزندان ذکور آنان به سن بیست ساله رسیدند باید به خدمت سربازی روند. این قرارداد به مولودات قبل از تاریخ [۱۳۰۵ قمری] شامل نباشد.^۳ نظامنامه ممنوعیت ازدواج مردان ایرانی با زنان عثمانی سال‌های طولانی پایدار بود تا این که در زمان سلطان عبدالحمید دوم و در راستای تلاش برای وحدت مسلمین، شیخ‌الرئیس قاجار پیشنهادهایی برای کاهش ناهمسازگری میان مسلمانان به سلطان عثمانی ارائه داد،

۱. گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجاریه، ۱۳۷۵(ج. ۷، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: نشر اسناد وزارت امور خارجه، ص. ۵۴۶).

2. litvak Meir, (2010), The finances if the Ulama Communities of Najaf and Karbala, 1796-1904. stable u R L: (<http://www.Jstor.org>)

۳. مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران، کارتون ش. ۴، پرونده ۱۶، سال ۱۳۴۰ هجری قمری و مجموعه نسخ خطی کتابخانه ملک، نسخه خطی به شماره ۴۳۲۶.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۴۳

که یکی از آن پیشنهادات دستور لغو منع ازدواج زنان عثمانی با مردان ایرانی بود،^۱ که به نوشه ابراهیم صفایی بلا فاصله مورد تأیید سلطان عثمانی قرار گرفت.^۲ یکی دیگر از مشکلات اتباع ایرانی در عراق مسئله تملک و پرداخت مالیات از سوی آنان به دولت عثمانی بود که نزاع بر سر این موضوع روابط دو کشور ایران و عثمانی را سخت متزلزل کرد.

تملک و مالیات

دولت عثمانی بنا بر نظام مالیاتی اصلاح شده مقرر کرده بود، کلیه اتباع ایرانی صاحب املاک در قلمرو عثمانی موظف به پرداخت مالیات به دولت باشند. ایرانیانی که در عتبات اقامت می‌گزیدند برای خود پیشه‌ایی دایر کرده، صاحب شغل و حرفة‌ای شده بودند، چون تابعیت عثمانی را نداشتند از پرداخت هرگونه مالیات به دولت خودداری می‌کردند. از سوی دیگر چون اتباع ایرانی تابعیت عثمانی را نداشتند بعد از فوت صاحبان املاک ترکه آنان به تصرف ماموران عثمانی در می‌آمد. به نوشه مسترز، اتباع ایرانی در عتبات گرفتار سه مسئله مهم بودند: اخذ مالیات‌های غیرعادلانه، تحمیل جزیه به اهل ذمه ایران و مصادره دارایی و مایملک افراد در گذشته.^۳ مصادره اموال متعلق به ایرانیان از جمله گزینه‌هایی بود که مقامات محلی عثمانی در عراق برای افزایش درآمدهای خود بدان متول می‌شدند. این مسئله به شدت روابط دو دولت ایران و عثمانی را به چالش می‌کشاند.

در میان شهرهای مقدس عراق عرب، کربلا، نزد ایرانیان از جایگاه بالایی برخوردار بود. بیشتر اهالی این شهر را ایرانیان شیعه تشکیل می‌دادند. سیاح آلمانی که در اوایل قرن بیستم از این شهر دیدن کرده می‌نویسد: «عده ایرانیان ساکن کربلا بالغ بر سی هزار نفر است. آنان در این شهر به روش کاملاً ایرانی زندگی می‌کنند، زبان و آداب و رسوم و حتی

۱. ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس قاجار، منتخب‌النفیس از آثار شیخ‌الرئیس؛ به نقل از رحیم ریسم‌نیا، (۱۳۶۸)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ج ۲، تبریز: ستوده، صص ۷۵۵-۷۵۶.

۲. ابراهیم صفایی، (۱۳۶۳)، رهبران مشروطه، ج ۱، تهران: جاویدان، ص ۵۷۳.

۳. بروس مسترز، (۱۳۸۵)، عهده‌نامه‌های اول و دوم ارزنه السروم و تعییر وضعیت ایرانیان در امپراتوری عثمانی، ترجمه نصرالله صالحی، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۱۰، ش ۳۸، صص ۱۴۸-۱۴۹.

بول رایج خویش را بر جامعه قبول ندهاند.^۱ برخی از اتباع ایرانی ساکن در کربلا زمین‌هایی خریده بودند و صاحب املاک شده بودند، برخی دیگر مغازه‌ها و دکان‌هایی داشتند و به داد و ستد می‌پرداختند. از نظر دولت عثمانی چون اتباع ایرانی در عتبات عالیات تابعیت عثمانی را نداشتند، لذا نمی‌توانستند در قلمرو آن دولت، صاحب ملک باشند. به نوشته دیلک قایا دولت عثمانی از خرید اموال و املاک توسط ایرانیان در شهرهای مقدس ترس داشت از آنجایی که اتباع ایرانی، رعیت دولت عثمانی به شمار نمی‌رفتند، ملاک شدن آنها در قلمرو عثمانی موجب گسترش نفوذ ایرانیان و به تبع آن شیعیان می‌شد و دولت عثمانی را درگیر مشکلات جدید می‌کرد.^۲

در این میان مکاتباتی میان دربار عثمانی و والی بغداد مربوط به املاک و زمین‌های ایرانیان در کربلا صورت گرفت. ماموران عثمانی در اولین قدم شروع به شناسایی ساختمان‌ها و مغازه‌ها و منزل‌هایی که توسط ایرانیان در کربلا خریداری شده بود نمودند.^۳ سپس بر تمامی مغازه‌ها و دکان‌های ایرانیان ساکن در کربلا مالیات مقرر کردند، چون ایرانیان حاضر نبودند به دولت عثمانی مالیات پرداخت کنند، این مسئله مدت‌ها از موارد مورد مذاکره سفراء و نمایندگان دو دولت ایران و عثمانی شد. کارپرداز ایران در بغداد، مشاور‌الملک، طی تلگرافی به وزرات امور خارجه ایران از دریافت مالیات از اصناف ایرانی مقیم کربلا شکایت کرده و از دولت ایران تقاضا کرد که با مذاکره با سفارت عثمانی از گرفتن این رسم (مالیات) از قیصریه‌نشین‌ها خودداری شود.^۴

در پاسخ گزارش مشاور‌الملک، میرزا نصرالله مشیر‌الدوله به تاریخ ۱۹ ذی الحجه ۱۳۱۹ به باب عالی نوشته و از آن دولت خواست؛ ادائی وجهی به اسم شهریه (مالیات) که هیچ وقت در حق تجار ایرانی معمول نبوده، متوقف شود.^۵ ادعای دولت ایران در برابر فشار ماموران عثمانی این بود که از قدیم الایام اتباع ایرانی مقیم کربلا مغازه می‌نمودند و اموال غیر منقول را داشتند، بدیهی است که هیچگاه دولت عثمانی آنان را از این حق

۱. ایران/امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)، ص ۳۹۷.

۲. دیلک قایا، (۱۴۲۸)، کربلا فی الارشیف العثمانی (۱۸۴۰-۱۸۷۶م)، ترجمه عن التركیه: حازم سعید منتصری و مصطفی زهران بیروت: الدارالعریبیه للموسوعات، صص ۲۵۴-۲۵۵.

۳. همان، ص ۲۵۶.

۴. مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱، پرونده ۳۱، سال ۱۲۱۹ هجری قمری.

۵. همان، کارتن ۱، پرونده ۱۷، سال ۱۳۱۹ هجری قمری.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۴۵

محروم نداشتند. هم‌چنین بر اساس عهدنامه ارزروم دوم (۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م) ممانعتی در خصوص تملک اتباع ایرانی در عتبات عالیات قید نشده و چون اتباع ایرانی تابعیت عثمانی را ندارند، لذا از پرداخت مالیات باید معاف باشند.^۱ و اموال و املاک آنان پس از فوت در صورت نداشتن وارث، در محاکم قضایی موافق نظام رسیدگی شود. سفرا و کارگزاران ایرانی در قلمرو عثمانی طی چندین سال، تلاش زیادی جهت حل این مساله کردند، اما پاسخ‌ناری ماموران عثمانی در این امر و نارضایتی اتباع ایرانی در پرداخت مالیات مشکل جدیدی در روابط دو دولت ایران و عثمانی ایجاد کرد و آن قتل عام ایرانیان در کربلا بود که به حادثه زهاوی معروف شد.

کشتار ایرانیان در کربلا

شهر کربلا به دلیل کثرت نفوس ایرانیان در این شهر نزد دولت عثمانی از حساسیت بیشتری برخوردار بود رویدادها و حوادث این شهر همواره با دید دقیق‌تر و موشکافانه‌تری از سوی والی بغداد بررسی می‌شد. به طور کلی طی قرون نوزدهم و اوایل قرن بیستم کربلا به طور ظاهری تحت برق عثمانی بود، ولی در واقع تحت نفوذ و کنترل دولت عثمانی قرار نداشت. به نوشته سلیم درینگیل اگر چه شهر کربلا از مرزهای دو دولت دور بود، ولی حال و هوای بک شهر مرزی را داشت، مردم شهر آشکارا دشمنی خود را به حکومت سنی مذهب بغداد نشان می‌دادند. سربازان سنی به ندرت می‌توانستند در این شهر بمانند، چرا که دچار زحمات بی‌پایان می‌شدند.^۲

ایرانیان کربلا یک بار به سال ۱۲۸۵ق/۱۸۴۲م در دوران والی‌گری نجیب پاشا بر بغداد مورد کشتار و قتل عام قرار گرفتند. بهانه کارگزار دولت عثمانی در این حمله، ایجاد امنیت، آرامش و سرکوب گروه شرور «یرمازیه»^۳ و ممانعت ایرانیان کربلاه از پرداخت مالیات و

۱. گزیده استاد سیاستی ایران و عثمانی در دوره قاجاریه، ج. ۵، ص. ۴۶۴.

۲. سلیم درینگیل، «مبازه با تشیع در عراق دوران عبدالحیید دوم»، بررسی موردی سیاست ضد تبلیغی عثمانی، ترجمه نصرالله صالحی، نامه تاریخ پژوهان، س. ۱، ش. ۲، ۱۳۸۴، ص. ۱۶.

۳. یرمازیه که لفظ ترکی آن به معنی کسانی که هیچ‌گونه استفاده‌ای برای دیگران ندارند. گروهی افراد شرور، دزد و اوباش مسلحی بودند که بدون هیچ‌گونه هراسی دست به غارت اموال مردم زده و آرامش شهر را بر هم می‌زدند. جریان مدام زوار ایرانی به کربلاه برای آنان همیشه غنیمت تازه‌ای بود. یرمازیه‌ها در برخی موارد برای آن که بتوانند از زائران غنیمتی بگیرند حتی همسران و دختران آنان را می‌دزدیدند؛ (نک: فرهاد میرزا معتمدالدوله، ۱۲۶۷)، زنیل، به کوشش محمد رضا رمضانی، تهران: پدیده، ص. ۳۵۰؛ تاریخ عراق، دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ عراق معاصر، ج. ۱، ص. ۴۶۹).

خارج به والی بغداد بود، اما واقعیت قضیه، مقابله با نفوذ ایران در کربلا و جلوگیری از گسترش شیعیان در عتبات عالیات بود. چنان‌که نماینده انگلستان در بغداد در این‌باره می‌نویسد: «حمله به کربلا تلاشی بود از طرف دولت عثمانی در کنترل بیشتر این نواحی، ضربات سنگین ترک‌ها در باز پس گرفتن شهرهای مقدس عواملی بود که برای الحق این مناطق به نظام موثر فرمانروایی ترک‌ها کافی به نظر می‌رسید، اما مسائل عمیق‌تری را به وجود آورد و در نتیجه عملیات جنگی این دوره کنترل سیاسی و میزان نفوذ سلطان بر این نواحی بیشتر شد.»^۱ رفتار خشونت‌آمیز نجیب پاشا در کربلا منجر به کشته شدن نزدیک به هجده هزار نفر از شیعیان در این شهر شد. رفتار خشونت‌آمیز نجیب پاشا سبب گردید تا مردم محل از وی با واژه‌ی یزید پاشا یاد کنند.^۲

اعتراض دولت ایران، بر کشتار ایرانیان کربلا توسط والی بغداد، دو دولت ایران و عثمانی را در آستانه جنگ قرار داد، ولکن میانجی‌گری دو دولت روس و انگلستان و نیز ضعف دولتمردانی چون حاج میرزا آقاسی، صدر اعظم وقت، واکنش دولت ایران را بی‌پاسخ گذاشت، و حتی تلاش‌های میرزا تقی خان فراهانی در جریان انعقاد عهدنامه دوم ارزروم (۱۲۶۳ق/۱۸۴۷م) در پرداخت غرامت از سوی دولت عثمانی به ایران و جبران خسارت بی‌نتیجه ماند.^۳ نماینده دولت عثمانی چنین وانمود کرد که حمله حاکم بغداد به

۱. استیون همزی لانگریک، (۱۳۷۸)، عراق ۱۵۰۰-۱۹۰۰، تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، ترجمه اسدالله توکلی، محمدرضا مصباحی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، صص ۴۵۶-۴۵۷.

۲. در خصوص تعداد کشتگان کربلا روایت‌های مختلفی ذکر شده است. برخی تعداد کشته شدگان را بیست و چهار هزار نفر نوشتند؛ (نک: کربلاء فی الارشیف العثمانی، ص ۹۶) خان ملک ساسانی می‌نویسد: بیست هزار نفر در اطراف صحن مطهر امام حسین علی‌السلام و شش هزار نفر در روضه منور حضرت عباس علی‌السلام سر بریدند؛ (احمدخان ملک ساسانی، (۱۳۸۲)، سیاست‌گران دوره قاجار، به کوشش سیدمرتضی آل داود، تهران: گلستان، ص ۳۴۲)؛ این اتهام با در نظر گرفتن سکنه ۱۳۶۰۰۰ نفری کربلا که در ۳۴۰۰ داشتند و اشاره به این که ۴۵۰۰ نفر از این سکنه را مردان تشکیل می‌دادند؛ (نک: کربلاء فی الارشیف العثمانی، صص ۱۰۲-۹۵) مورد تردید قرار می‌گیرد، اما به احتمال یقین تعداد کشته شدگان از چهار هزار تا هیجده هزار نفر بوده‌اند؛ (نک: الغزاوی، (۱۹۵۳)، تاریخ العراق بین الاحتلالين، ج ۷، بغداد: شرکت التجاره و الطباعه، ص ۶۵).

۳. محمد حرزالدین العقیلی، (۱۳۸۵)، تاریخ تجف اشرف، ج ۲، قم: بی‌نا، ص ۴۷۸.

۴. نصرالله صالحی، (۱۳۷۷)، اسنادی از روند انعقاد عهدنامه‌ی ارزنه الروم دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، صص ۳۱-۳۳.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۴۷

کربلا خودسرانه و بدون دستور حکومت اسلامیول بوده است و بنابراین دولت عثمانی در مقابل اعتراضات دولت ایران تنها می‌تواند پاشای بغداد را عزل کند.^۱ در سال ۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م بر اثر تلاش کنسول روس و انگلیس در بغداد، اتباع این دولت از پرداخت مالیات به دولت عثمانی معاف شدند. اتباع ایرانی مقیم کربلا نیز اعلام کردند، همانند اتباع دولت روس و انگلیس به دولت عثمانی مالیات پرداخت نمی‌کنند. محمدحسن خان قندهاری معاون کنسول بریتانیا در کربلا، اتباع ایرانی را تشویق به مخالفت با طرح دولت عثمانی کرد و به آنها وعده پیروزی داد.^۲ از سوی علمای عتبات و کارپردازی ایرانی در بغداد، در حل مسئله به باب عالی تلگراف شد، تا رسم شهریه از اتباع ایرانی برداشته شود،^۳ اما در نامه‌ای که والی بغداد به کارپرداز ایران نوشته اعلام کرد: «مالک شدن رعیت‌های اجنبی و ایرانی‌ها در زمین‌های عثمانیان و کسب کار آنان، شرعاً و عهداً و شرطاً و قانوناً من نوع است».^۴ در این میان اتباع ایرانی ابتدا به کنسول‌گری ایران مراجعه نمودند. اهتمام و مذاکرات کنسول با والی بغداد کارساز نیافتاد. لذا تجار و اتباع ایرانی مقیم کربلا به کنسول‌گری بریتانیا، به عنوان عضو ناظر معاهده چهارجانبه ارزروم دوم التجاء نمودند، که بر اثر آن شهر با وضعیت خاصی رویرو گردید. سربازان عثمانی معتبرضین را در مقابل کنسول‌گری بریتانیا به گلوله بستند، و هفتاد نفر از ایرانیان را به خاک و خون کشیدند.^۵ اوژن اوین که اندکی بعد از این حادثه به کربلا سفر کرده است بروز حادثه را متأثر از فشارها و سخت‌گیری‌های بی‌رحمانه اعمال شده دولت عثمانی بر اتباع ایرانی در افزایش مالیات دکاکین دانسته و آن را با اقدامات سیعنه نجیب پاشا مرتبط دانسته است.^۶ متعاقب این حادثه روابط ایران و عثمانی سخت متزلزل شد. دولت ایران در برابر اقدام ماموران عثمانی اعتراض شدیدی از خود نشان داد. علمای تهران خواستار رسیدگی

.۱. فریدون آدمیت، (۱۳۴۸)، امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، صص ۹۸-۹۹.

.۲. تاریخ عراق، دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ عراق معاصر، ص ۴۶۹.

.۳. حبیل المتنین، ش ۲۲، س ۱۴، ذی القعده ۱۳۲۴.

.۴. مرکز استناد و تاریخی وزارت امور خارجه ایران، استناد قدیمه، کارتن ۶، پرونده ۱، سال ۱۳۲۴ هجری قمری، ص ۱۱۹.

.۵. حبیل المتنین، ش ۱۹، س ۱، ذی القعده ۱۳۲۴.

.۶. ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)، ص ۳۹۳.

به موضوع و اعزام یک مقام دیپلماتیک شدند.^۱ کمیسیونی برای تحقیق شهدای جدید کربلا در بغداد با حضور نماینده دولت ایران، حاج موسی خان، فرزند حاج میرزا هاشم خان مفخم الملک، کنسول ایران در سوریه و عازم بیگ والی جدید بغداد تشکیل شد.^۲ در این کمیسیون برای ترضیه خاطر اولیای دولت ایران چهار تکلیف به دولت عثمانی واگذار شد:

۱. عزل مجید بیگ زهاوی، والی بغداد؛
۲. عزل و تنبیه رشید پاشا، متصرف کربلا و همراهن وی؛
۳. تشکیل کمیسیون مختلفه و تحقیقات مشترک در تادیه مقتولین و خسارات واردہ به ایرانیان؛
۴. موقوف شدن شهریه.^۳

دولت عثمانی در مقابل اعتراض دولت ایران مجید بیک زهاوی را از والی‌گری بغداد عزل کرد و ابوبکر عازم بیک را جانشین وی کرد.^۴ لکن مسئله تملک پرداخت مالیات اتباع ایرانی به دولت عثمانی به صورت لایحل باقی ماند. گرچه دو دولت تلاش‌های زیادی برای حل این مسئله انجام دادند، لکن کثرت ایرانیان در عتبات و ناتوانی دولت عثمانی در اداره امور عراق در سال‌های پایانی حکومت دو دولت قاجاریه و عثمانی، مسئله اتباع ایران را به صورت لایحل باقی گذاشت، تا این که با فروپاشی امپراتوری عثمانی و تشکیل کشور مستقل عراق، موضوع اتباع ایرانی در عراق به یکی از چالش‌های عمدۀ حکومت پهلوی با دولت عراق تبدیل شد. سرانجام با اوج گرفتن این بحران در دوره حکومت صدام حسین تمام اتباع ایرانی از عراق اخراج شدند.

۱. روزنامه مظفری، س۶، ش۵، شعبان ۱۲۲۵.

۲. حبل المتنین، س۱۴، ش۳۰، ۳ صفر ۱۲۲۵.

۳. همان، س۱۴، ش۲۹، ۲۲ ذی القعده ۱۲۲۴.

۴. تاریخ عراق؛ دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق معاصر، ج ۱، ص ۴۶۹.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاهده ارزروم دوم و ... ۴۹

نتیجه

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، عمدت ترین چالش ایران و عثمانی در عراق عرب علاوه بر مشکلاتی که در مرزها و حدود داشتند، مساله اتباع ایرانی مقیم عراق بود. اقامت ایرانیان از مدت‌ها قبل در این نواحی آغاز و افزایش مهاجرت ایرانیان به شهرهای مقدس برای هر دو دولت ایران و عثمانی مسائلی ایجاد کرد. امپراطوری عثمانی با انجام اصلاحات در صدد سامان بخشیدن به امور ایالت‌های متعدد قلمروی خود از جمله بغداد برآمد. اجرای قوانینی چون مالیات‌گیری، تشخیص تابعیت اتباع ایرانی در قلمرو عثمانی و منع ازدواج ایرانیان با زنان تبعه عثمانی اشکالاتی در روابط دو دولت ایران و عثمانی ایجاد کرد. اتباع ایرانی در عتبات عالیات حاضر به تبعیت از قانون و ضوابط وضع شده از سوی دولت عثمانی نبودند. از سوی دیگر کارگزاران عثمانی در اجرای این قوانین پاشرای می‌کردند، و اتباع ایرانی مورد قتل و کشتار عمومی قرار می‌گرفتند. این قبیل رفتارها موجب متزلزل شدن روابط دو دولت ایران و عثمانی می‌شد، و در برخی موارد دو کشور را در آستانه جنگ و درگیری قرار می‌داد. دولت عثمانی از نفوذ ایرانیان در عراق خشنگین بود و وجود آنان را عامل اصلی رشد شیعی‌گری در عراق می‌دانست، علاوه بر آن به دلیل محبویت علماء و مجتهدین شیعه بسیاری از قبایل و عشایر عرب تحت نفوذ علمای شیعه قرار گرفته بودند. بنابراین، دولت عثمانی حضور ایرانیان در عراق را مشکل بالقوه می‌دانست، و تلاش می‌کرد به طرق متعدد از نفوذ آنان جلوگیری کند. اجرای قوانین حقوقی و مدنی، برقراری مالیات‌های سنگین بر املاک و اصناف ایرانی در عتبات نتوانست سیاست‌های عثمانی در عراق را موفق سازد. به جز آن‌که مناسبات دو کشور را تا پایان سقوط قاجاریه به چالش کشانید، و پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی و تشکیل کشور مستقل عراق مسئله اتباع ایرانی همواره به عنوان یکی از موضوعات مناقشه برانگیز در روابط ایران و عراق مطرح بود.

فهرست منابع و مأخذ

کتاب‌های فارسی و عربی:

- آدمیت، فریدون، (۱۳۴۸)، امیر کبیر و ایران، تهران: خوارزمی.
- الورדי، علی، (۱۲۸۹)، تاریخ عراق؛ دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ عراق معاصر، ۲ج، ترجمه هادی انصاری تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- اوین، اوزن، (۱۳۶۲)، ایران امروز (۱۹۰۶-۱۹۰۷)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زاور.
- پارسا دادشت، منوچهر، (۱۳۷۰)، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پیرزاده نائینی، محمدعلی، (۱۳۴۳)، سفرنامه، به کوشش حافظ فرمانفرما مایان، تهران: بی‌نا.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۶)، تشیع در عراق؛ مرجعیت و ایران، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- حضرتی، حسن، (۱۳۸۹)، مشروطه عثمانی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- خان ملک ساسانی، احمد، (۱۳۸۲)، سیاستگران دوره قاجار، به کوشش سید مرتضی آلداد، تهران: گلستان.
- الخلیلی، جعفر، (۱۹۸۷)، موسوعة العتبات المقدسة، ۱۲ج؛ قسم التجف، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- رئیس‌نیا، رحیم، (۱۳۸۵)، ایران و عثمانی در آستانه قرن بیستم، ۲ج، تبریز: ستوده.
- ریاحی، محمدامین، (۱۳۶۸)، سفارتنامه‌های ایران، تهران: توسع.
- شاو استانفورد جی وازل کورال، (۱۳۷۰)، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ۳ج، ترجمه محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- صالحی، ناصرالله، (۱۳۷۷)، اسنادی از روند انعقاد عهدنامه‌ی ارزنه‌الروم دوم، تهران: اداره انتشارات اسناد تاریخی، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- صفائی، ابراهیم، (۱۳۶۳)، رهبران مشروطه، ۳ج، تهران: جاویدان.
- کوهستانی نژاد، مسعود، (۱۳۸۴)، چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزرات امور خارجه.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره قاجاریه، (۱۳۶۹)، ۳ج، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران: وزرات امور خارجه.
- ———، (۱۳۷۰)، ۵ج، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ تهران: وزرات امور خارجه.
- ———، (۱۳۷۵)، ۷ج، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزرات امور خارجه.
- لوئیس برنارد، (۱۳۷۲)، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، تهران: بی‌نا.
- العزاوی، عباس، (۱۹۵۳)، تاریخ العراق بین الاختلالین، ۷ج، بغداد: شرکت التجاره و الطباعه.
- عیسیوی، چارلز، (۱۳۶۲)، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آذند، تهران: گستره.
- العقيلي، محمد حرز الدین، (۱۳۸۵)، تاریخ نجف اشرف، ۳ج، قم: بی‌نا.
- قایا، دیلک، (۱۴۲۸/۲۰۰۸)، کریلا فی الارشیف العثماني؛ (۱۸۷۶-۱۸۴۰)، ترجمه التركیه حازم سعید منتظر و مصطفی زهران، بیروت: الدارالعربيه للمطبوعات.

مسئله اتباع ایرانی در عتبات عالیات بعد از معاہده ارزروم دوم و ... ۵۱

- ماریه، فب، (۱۳۸۰)، *تاریخ نوین عراق*، ترجمه محمد عباسپور، مشهد: آستان قدس رضوی.
- معتمدالدوله فرهاد میرزا، (۱۳۶۷)، *زنیل*، به کوشش محمدرضا رمضانی، تهران: پدیده.
- هارдинگ، آرتور، (۱۳۶۳)، *خطرات سیاسی سرآرتور هارдинگ*، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی تهران: کیهان.
- همزی لانکریک، استیون، (۱۳۷۶)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق ۱۹۰۰—۱۹۵۰*، ترجمه علی درویش، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.

مقالات:

- آتش، صبری، (۲۰۱۰)، «*تعشیشی به عتبات: رقابت ایران و عثمانی در عراق سده‌ی ۱۹ میلادی*»، ترجمه نازلی کامواری، ایران‌نامه، س، ۲۶، ش۱-۲، ص۶۰-۹۳.
- درینگل، سلیم، (۱۳۸۴)، «*مبارزه با تسبیع در عراق دوران عبدالحمید دوم*»، بررسی موردی سیاست ضد تبلیغی عثمانی، ترجمه نصرالله صالحی، نامه تاریخ پژوهان، س، ۱، ش۲، ص۱۱-۳۳.
- لیتوک میر، (۱۳۸۴)، «*بررسی جمعیت‌شناسنامه علمای نجف و کربلا در خلال سال‌های ۱۲۰۵-۱۳۲۲*»، ه.ق، ترجمه نصرالله صالحی، *فصلنامه شیعه‌شناسی*، س، ۳، ش۱۰، ص۱۸۵-۱۳۷.
- مسترزر، «*عهده‌نامه‌های اول و دوم از نزد امپراتور و تغییر وضعیت ایرانیان در امپراتوری عثمانی*»، ترجمه نصرالله صالحی، *فصلنامه تاریخ معاصر ایران*، س، ۱۰، ش۳۸۵، ص۱۵۵-۱۴۵.

روزنامه:

- حبل‌المتین، س، ۱۴، ش۱۹، ۱۳۲۴.
- حبل‌المتین، س، ۱۴، ش۲۲، ۱۳۲۴.
- حبل‌المتین، س، ۱۴، ش۳۰، ۱۳۲۵.
- روزنامه مظفری، س، ۶، ش۵، شعبان ۱۳۲۵.

استناد:

- مرکز اسناد تاریخی وزرات امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، کارتن ۱، پرونده ۱۷، سال ۱۲۱۹ هجری قمری.
- کارتن ۱۲، پرونده ۱، سال ۱۲۲۸ هجری قمری.
- کارتن ۸، پرونده ۱۲، سال ۱۲۸۶ هجری قمری.
- پرونده ۲، کارتن ۲۰ سال ۱۳۱۲ هجری قمری.
- کارتن ۱، پرونده ۳۱، سال ۱۳۱۹ هجری قمری.
- کارتن ۲، پرونده ۱۴، سال ۱۳۳۷ هجری قمری.
- کارتن ۷، پرونده ۴۷، سال ۱۳۰۰ شمسی.
- کارتن ۱۶، پرونده ۲۹، سال ۱۳۰۶ شمسی.
- کارتن ۲، پرونده ۲۰، ۱۳۳۱ هجری قمری.

۵۲ مطالعات تاریخ فرهنگی، شماره ۱۱

نسخه خطی:

- مهاجرانی همدانی، حاج میرزا حسین خان (۱۳۲۱) سفرنامه، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد و نسخ خطی دانشگاه تهران، نسخه خطی به شماره ۴۷۹۱.
- مجموعه نسخ خطی کتابخانه ملک، نسخه خطی به شماره ۴۳۲۶.

منابع لاتین:

- Catinsaya, Gohkan, (2006), *Ottoman administration of Iraq 1890-1908*, New York, Routledge.
- Galip Cag, Selcuk Ural, (2010), "Osmanli-Iran ilişkileri ve Osmanlı modernleşme cabalrı baglamında osmanlı kadının İranlılarla evlenme yasası ve uygulamaları", the journal of international social research, vol.3, Issue: 13, woman studies, pp.220-313
- Meir litvak, (2010), *the finances if the Ulama Communities of Najaf and Karbala*, 1796-1904, stable U R L: (<http://www.Jstor.org>)
- Nahkash, Yitzhak, (2003), *the shi'ism of Iraq*, Princeton: N. J. Princeton University, chap 7.